

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله وجوب انفاق بزوجه و یا وجوب طلاق او اینکه سؤال نموده بودید آیا اشخاصیکه بزنهاى خود نفقه و کسوة نمیدهند و یا بجای دیگر رفته و زنان خودشانرا بدون نفقه میگذارند حکم آن اشخاص و این مسئله چطور است؟
پس در جواب آقایان معروض میدارد که بصریح آیات شریفه نفقه زوجه واجب و بقرار عادت و معروف و متعارف در میان مردمان لازم است چنانکه در سوره بقره میفرماید **الطّلاق مرتان فامساک بمعروف او** تسریح باحسان و ایضاً **فامسکوهن بمعروف او** سرحوهن بمعروف و در سوره طلاق فرموده **فامسکوهن بمعروف او** فارقوهن بمعروف و در بقره **ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف و ایضاً و علی**

المولود له رزقهن و كسوتهن بالمعروف و ايضاً متاعاً بالمعروف حقاً
 على المتقين و ايضاً وللمطلقات متاع بالمعروف و در نساء و عاشر و هن
 بالمعروف و ايضاً و اتوهن اجورهن بالمعروف و در بقره على الموسع
 قدره و على المقتر قدره متاعاً بالمعروف حقاً على المحسنين پس در
 اين در آيات مبارکه خداوند تعالى نفقه و كسوه زوجه شخص را بقرار معروف
 در بلد زوجين نسبت بحال ايشان واجب فرموده و در سه آيه اول زوج را مخير
 کرده درمیان نگهداری زنان و طلاق دادن بايشان که بايد مردان يا نفقه زنان
 خود را بدهند و يا طلاق ايشان را رد بکنند پس بصراحت اين آيات در دين
 اسلام و در شرع حضرت پيغمبر ﷺ در باره زنان ضيق و زحمت و مشقت
 و سختی واقع نشده و نفقه ايشان را بقرار معروف معين فرموده و در صورت
 ندادن نفقه و كسوه آنها امر بطلاق کرده و بلکه در فرض عدم دادن نفقه
 زوج را مجبور بطلاق نموده و اين امر را بحاکم شرع واجب کرده و اجبار
 بطلاق دادن را بحکام ولايات لازم فرموده و در احاديث صحيحه بيان اين
 مطلب واضح گردیده از برای مردان ديندار و مؤمنان غير تمند چنانکه در
 تهذيب و فقيه در صحيحه ربعی و فضيل از حضرت صادق عليه السلام در تفسير
 آيه **ومن قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه الله** روايت کرده اند که فرمود
 اگر زوج بزوجه خودش انفاق بکند آن قدری که پشت زن را نگه بدارد
 و لباس هم بدهد بآن زن فيها والا تفريق ميشود درمیان مرد و زنش و در
 کافی از ابن عبدالرحيم در تفسير همين آيه از آنحضرت روايت نموده که

فرمود زمانیکه انفاق بکند مرد بزن خودش آنقدریکه پشت زن را نگه بدارد
 بالباس اوفبها والا تفریق میشود در بین ایشان و در تفسیر قمی از ابی بصیر از
 آنحضرت در تفسیر همین آیه روایت کرده که فرمود زمانیکه نفقه بدهد مرد
 بزن خودش آنقدریکه پشت او را نگهدارد باکسوه اش پس خوب و اگر ندهد
 تفریق میشود در میان ایشان و در تفسیر عیاشی از ابی القاسم از حضرت رضا
علیه السلام در تفسیر آیه **فامساک بمعروف او تسریح باحسان** روایت کرده که مراد
 اینست که مرد بزن خود اذیت نکند و باو نفقه و کسوه بدهد و یا طلاق بقرار
 کتاب و سنت بزن خودش بدهد و در کافی و تهذیب از عنبسه از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده اند که فرمود زمانیکه زوج کسوه داد بزنش بچیزیکه
 بدنش را پوشانید و اطعام کرد بزن بچیزیکه پشت او را نگهداشت در آن
 زمان زن در خانه مرد خودش میماند و اگر چنین نکرد طلاق زن را میدهد
 و در فقیه در صحیح حلی از آنحضرت روایت کرده که عرض کردم بر نفقه
 کدام اشخاص مجبور میشود فرمود بر نفقه پدر و مادر و اولاد و زن خود و
 بر نفقه وارث صغیر و در فقیه از مرادی روایت کرده که شنیدم از حضرت باقر
علیه السلام که اغلب اوقات میفرمود هر که در نزد او زنی باشد پس بآن زن کسوه
 ندهد که بدن او را بپوشاند و اطعام نکند بآن که پشت او را نگه بدارد
 پس در اینصورت حق و لازم است بر پیشوای مردمان تفریق دادن در میان
 آن مرد و زن او پس از همه این احادیث مذکوره معلوم شد که مرد
 باید بزنش نفقه و کسوه بدهد بقدر حاجت زن و یا باید طلاق

بدهد و در فرض عدم اقدام زوج بر یکی از اینها مجبور میشود و مجبور کردن زوج را
 بر انفاق و یا بطلاق از امورات حسبیه و از واجبات کفائیه است و اگر مردمان
 و مسلمانان باین واجب اقدام نکنند بر پیشوای مسلمین واجب است اقدام
 بر این چنانکه در صحیحه مرادی حضرت باقر علیه السلام فرمود پس بصریح این
 آیات شریفه و نص واضح این احادیث کثیره نفقه زوجه بزوجه خود واجب
 است و در صورت تخلف زوج از دادن نفقه مجبور است بطلاق زوجه و این
 اجبار بر نفقه و یا بطلاق اولاً تکلیف مسلمین است از بابت امر بمعروف و
 نهی از منکر و ثانیاً تکلیف علماء اعلام و حکام اسلام و قائدين انام است که
 حکم شرع انور را بمردمان بگویند و ایشان را از تکلیف اسلامی با خبر
 نمایند که زوج مجبور است بانفاق و یا بطلاق و در صورت عدم اقدام زوج بر
 یکی از این دو مطلب باید حاکم و پیشوای مردم از جانب زوج بزوجه او طلاق
 بگوید و اگر یکنفر از حکام شرع انور اقدام بچنین طلاق نماید پس تعرض
 باو حرام و نقض حکم او جایز نیست زیرا که طلاق حاکم در صورت عدم اقدام
 زوج بر انفاق و طلاق صریح حدیث صحیح است و دفع ضرر و ضرار از زوجه
 است و بصریح احادیث بسیار **لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام** دفع ضرر واجب
 است پس باوجود این یازده آیات شریفه و این هفت حدیث در کتب معتبره
 چرا این همه زنان در بلاد ایران حیران و سرگردان مانده و بدون
 انفاق و طلاق در گوشه و کنار از گرسنگی و برهنگی جان داده و یا از
 جهت ضرورت معاش و زندگی ضروری مبتلای فاحشه گری شده آیا

مسلمانان از آیات قرآن خبر ندارند و از احادیث امامان خودشان اعراض کرده‌اند و بر فرضیکه مسلمین عوام بر تکلیف خودشان عمل نکردند پس آیا علماء ایشان چرا غفلت کرده‌اند و چرا مجتهدین بلاد و نائبان ایشان بحکم قرآن و احادیث حضرات ائمه علیهم السلام خودشان عمل نمیکنند و آیا این زنان از جنس انسان نیستند و آیا این بیچارگان از افراد مسلمانان نبوده‌اند و تلف و خون ایشان بگردن مسلمانان است و یا بدمه علماء ایشان است و چنانکه در قرآن زکوة و فطره و خمس و مال امام است که علماء میگویند طلاق زنان در صورت امتناع زوج از انفاق نیز موجود است پس باید با حکم همه قرآن و احادیث عمل شود و دیگر چه بگویم که ناگفتم بهتر است

حرره الاحقر الارومی عرب باغی